

Research Paper**Exploring the Viewpoint and Experience of College Students About Living With Grandparents**Maryam Chehrehgosha¹, Leyla Jouybari², Fariba Enayat³, *Akram Sanagoo⁴, Behzad Taghvakhish¹, Manouchehr Ardjomand Hessabi⁵

1. Department of Nursing, School of Nursing & Midwifery, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.
2. Department of Nursing, Education Development Center, School of Nursing & Midwifery, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.
3. Department of Nursing, Student Research Committee, School of Nursing & Midwifery, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.
4. Department of Nursing, Nursing Research Center, School of Nursing & Midwifery, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.
5. Center for Clinical and Translational Sciences, University of Texas, Texas, USA.

Citation: Chehrehgosha M, Jouybari L, Enayat F, Sanagoo A, Taghvakhish B, Ardjomand Hessabi M. [Exploring the Viewpoint and Experience of College Students About Living With Grandparents (Persian)]. Iranian Journal of Ageing. 2016; 11(3):416-423.



Received: 24 Mar. 2016

Accepted: 14 Jul. 2016

ABSTRACT

Objectives The relationship between grandparents and grandchildren is an important and sensitive issue. Exploring grandchild's experiences can demonstrate and throw light on the relationship of two generations and form the basis of familial interactions. Therefore, this study aimed to explore the viewpoint and experience of college students about living with their grandfathers and grandmothers.

Methods & Materials In this qualitative study, 50 college students were selected via purposeful sampling method. The students were interviewed to find answers about their viewpoint and experience of living with grandparents. All the interviews were conducted in scripted form; Then the data were coded and analyzed with content analysis method.

Results Content analysis showed dichotomy in sense of students about grandfathers and grandmothers. Two main themes were obtained "kindness and compassion" and "annoyance and offense". Subthemes of "kindness and compassion" were "spirituality", "patient," and "unsparing love". Subthemes of "annoyance and offense" were "familial prejudice," "interfere in works," and "gripe."

Conclusion This experience was instructive for students. It was important that parents behave as the connecting path for this two generation and shape personality of this generation.

Key words:Grandparents,
Older people, Stu-
dents, Experience,
Attitude*** Corresponding Author:****Akram Sanagoo, PhD****Address:** Department of Nursing, Nursing Research Center, School of Nursing & Midwifery, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.**Tel:** +98 (911) 2703978**E-mail:** sanagoo@goums.ac.ir

بررسی دیدگاه و تجربیات دانشجویان از زندگی با پدربزرگ و مادربزرگ سالمند

مریم چهره‌گشا^۱، لیلا جویباری^۲، فریبا عنایت^۳، اکرم ثناگو^۴، بهزاد تقواکیش^۱، منوچهر ارجمند حسابی^۵

۱- گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

۲- گروه پرستاری، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

۳- گروه پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

۴- گروه پرستاری، مرکز تحقیقات پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

۵- مرکز تحقیقات علوم بالینی، دانشگاه علوم بهداشتی تگزاس، تگزاس، ایالات متحده آمریکا.

حکیده

تاریخ دریافت: ۵ فروردین ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش: ۲۴ تیر ۱۳۹۵

اهداف: رابطه نوه‌ها با پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به دلایل مختلف بسیار مهم و درخور توجه و حساس است. تبیین تجربه نوه‌ها از پدربزرگ و مادربزرگ می‌تواند مجسم‌کننده ارتباط این دو نسل و اساس برنامه تعامل خانوادگی باشد؛ از این‌رو هدف مطالعه حاضر تبیین دیدگاه‌ها و تجربه‌های دانشجویان از زندگی با پدربزرگ و مادربزرگ سالمند است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه کیفی براساس نمونه‌گیری مبتنی بر هدف از پنجاه دانشجویان دربرابر پدربزرگ و مادربزرگ خود نشان می‌دهد. و از آنان خواسته شد دیدگاه‌ها و تجربه‌های مثبت و منفی خود را درباره پدربزرگ و مادربزرگ خود بازگو کنند. مصاحبه‌ها روی کاغذ نوشته و کدگذاری و براساس روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: مضامین گرفته‌شده از این مطالعه دوگانگی را در احساس دانشجویان دربرابر پدربزرگ و مادربزرگ خود نشان می‌دهد. دو درون‌مایه اصلی «مهربانی و دلسوزی» و «رنجش و دلخوری» استخراج شد. زیرطبقات مهربانی و دلسوزی شامل معنویت و گذشت و محبت بی‌دریغ و زیرطبقات رنجش و دلخوری شامل تبعیض بین خانواده، دخالت در کارها، شکوه و گلایه‌کردن و رک‌گویی بوده است.

نتیجه‌گیری: دانشجویان در تجربیات خود از سالمندان درس‌هایی آموخته بودند. والدین باید پل ارتباطی این دو نسل باشند؛ زیرا بودن و دیدن این رفتارها در تکوین و شکل‌دهی شخصیت این نسل تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها:

پدربزرگ و مادربزرگ، سالمند، دانشجوی، تجربه، نگرش

مقدمه

کاهش یافته است. این تغییرات شامل هسته‌ای‌شدن خانواده‌ها، کوچک‌شدن منازل، افزایش تعداد زنان شاغل در خارج از منزل، افزایش آمار طلاق و افزایش شهرنشینی است [۳]. در شرایطی که بسیاری از مادران خارج از خانه کار می‌کنند، سالمندان می‌توانند کمک فزاینده‌ای به سلامت و رفاه «نسل سوم» باشند. همچنین سالمندان (پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها) برای نوه‌های خود منبع مهم دانش و تجربه محسوب می‌شوند [۴].

بسیاری از مردم حقیقت نگاه منفی به سالمندان در جامعه و فرهنگ خود را درک کرده‌اند. این موضوع این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند: «آیا تغییر نگرشی که دربرابر پدیده سالمندی رخ داده، درخور توجه است؟» در واقع هیچ‌کس نمی‌داند که چه زمانی نگرش افراد شکل می‌گیرد؛ اما به‌نظر می‌رسد باورها و نگرش‌هایی که در ابتدای زندگی پایه‌گذاری می‌شوند، زمان بیشتری در طول زندگی دوام بیاورند [۵]. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها از فرزندان و نوه‌های

افزایش چشمگیر جمعیت سالمندی در سراسر دنیا پدیده‌ای است که از قرن بیستم آغاز شده است. در سال ۲۰۰۶ سازمان ملل تعداد کل سالمندان دنیا را حدود هفتصد میلیون نفر برآورد کرد و پیش‌بینی می‌شود این جمعیت در چهل سال آینده دو برابر شود [۱]. در حال حاضر نرخ رشد جمعیت در کشور ما ۱/۶ درصد محاسبه شده است؛ در حالی که نرخ رشد جمعیت سالمندی ۲/۵ درصد است. در سال ۱۳۸۵ براساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران، بیش از پنج میلیون نفر سالمند شصت‌ساله و بیشتر، ۷/۳ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دادند. تخمین زده می‌شود طی ۲۵ سال آینده این میزان به حدود ۱۰ درصد برسد [۲].

در کشور ما با بروز تغییرات اجتماعی و دگرگونی‌های سنتی مشکلات سالمندان افزایش و درمقابل مراقبت خانواده از آنان

* نویسنده مسئول:

دکتر اکرم ثناگو

نشانی: گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات پرستاری، گروه پرستاری.

تلفن: ۳۹۷۸۰۲۷۰ (۹۱۱) ۹۸+

پست الکترونیکی: sanagoo@goums.ac.ir

خود حمایت‌های مالی و عاطفی و مشاوره‌ای می‌کنند؛ به عبارت دیگر پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به اعضای جوان‌تر خانواده‌هایشان بیشتر کمک‌های غیررسمی و بدون پرداخت می‌کنند و این امر زمینه‌های تماس بین اعضای خانواده را فراهم می‌آورد [۴].

امروزه در گذار از جامعه سنتی به پیشرفته، سالمندی نه به‌عنوان منزلتی محترم، بلکه به‌عنوان فردی با حداقل صلاحیت برای عضویت کامل در جامعه معرفی شده است. در چنین شرایطی پیری صرفاً مرحله‌ای طبیعی از زندگی نیست که رفتار فرد و شیوه نگرش مردم درباره وی با جریان‌های جسمی و زیستی سالمندی تعیین شود؛ بلکه تجربه‌ای اجتماعی است که انتظارات اجتماعی آن را تعیین می‌کند [۶].

مطالعات بسیاری به سالمند و سالمندی در حیطه نگرش اجتماعی انجام شده است. در مطالعه رانی و شمارما^۱ (۲۰۰۴) دیدگاه نوه‌ها در برابر پدربزرگ و مادربزرگشان دیدگاه حمایتی مثبت بود. این نوع نگرش در دختران بیشتر از پسران بوده است. دختران حس دلسوزی و ترحم و نگاه مثبت حمایتی بیشتری در برابر پدربزرگ و مادربزرگ خود داشته‌اند [۶]. رز و همکاران (۲۰۰۵) در بررسی ارتباط بین نوه‌ها و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها مفاهیمی چون عشق، مراقبت و دلسوزی، هدیه و پول، مهربانی، جذابیت و سرگرمی و مراقبت را مدنظر قرار دادند [۷]. در مطالعاتی که در ایران انجام شده است، کارشکی و گراوند (۲۰۱۱) نگرش دانشجویان بالینی به سالمند را نگرش مثبتی گزارش کرده‌اند. همچنین در مطالعه همدانی‌زاده و همکاران (۲۰۰۷) نگرش پرستاران به ارائه مراقبت‌های جسمی به سالمند کاملاً خنثی بوده است [۹].

به دلایلی نظیر از بین رفتن خانواده گسترده، تحول نقش و طرز فکر افراد و فشارهای حاصل از زندگی پیشرفته، فاصله جوان‌ها و سالمندان افزایش یافته است. این فاصله نه تنها باعث می‌شود جوانان درباره سالمندان تلقی کلیشه‌ای داشته باشند؛ بلکه حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی و عزت‌نفس و احساس ارزش سالمندان را می‌کاهد [۱۳-۱۰]. باتوجه به مطالب بیان‌شده و نتایج مطالعات انجام‌شده در ایران، مطالعه حاضر باهدف تبیین دیدگاه‌ها و تجربه‌های دانشجویان از زندگی با پدربزرگ و مادربزرگ سالمند انجام گرفته است.

روش مطالعه

این مطالعه با استفاده از مصاحبه عمیق مفهوم پدربزرگ و مادربزرگ از دیدگاه نوه‌های دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۸۹ تبیین شد. محیط پژوهش متناسب با پژوهش کیفی، محیط واقعی و طبیعی بود؛ به همین دلیل در این مطالعه دانشکده‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی بررسی شد. شرکت‌کنندگان تحقیق دانشجویانی بودند که در زمان انجام

مطالعه تجربه حضور در کنار پدربزرگ و مادربزرگ خود را داشتند. برای انجام این مطالعه این گروه از دانشجویان انتخاب شدند: ۱. دانشجویانی که پدربزرگ و مادربزرگ به‌عنوان عضوی از خانواده آن‌ها محسوب می‌شدند و با آن‌ها زندگی می‌کردند؛ ۲. دانشجویانی که پدربزرگ و مادربزرگ به‌صورت مهمان ماهه‌ایی از سال را در کنار آن‌ها بودند؛ ۳. دانشجویانی که در شهر محل تحصیل، در منزل پدربزرگ و مادربزرگ خود ساکن بودند.

در این پژوهش نمونه‌گیری باتوجه به اهداف پژوهش و با روش نمونه‌گیری دردسترس در دو مرحله انجام شد. در پژوهش کیفی نمونه‌ها براساس هدف پژوهش انتخاب می‌شوند [۱۴]. منطق و قدرت نمونه‌گیری براساس هدف، در انتخاب افراد غنی از اطلاعات به‌منظور مطالعه عمیق آن‌ها نهفته است [۱۵]. نمونه‌گیری براساس هدف (داشتن تجربه زندگی با مادربزرگ یا پدربزرگ) آغاز شد و تا زمان اشباع اطلاعات (دریافت نکردن اطلاعات جدید) به‌صورت نمونه‌گیری نظری ادامه یافت. در مجموع شمار شرکت‌کنندگان در پژوهش به پنجاه نفر رسید.

مدت مصاحبه‌ها سی تا پنجاه دقیقه بود. مصاحبه‌ها ضبط و در پایان کلمه به کلمه نوشته و پس از تجزیه و تحلیل، مصاحبه بعد انجام شد. برای تجزیه و تحلیل از روش تحلیل محتوای کیفی^۳ استفاده شد. تحلیل محتوای کیفی به‌عنوان روش تحقیق به‌منظور تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی است که از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم، درون‌مایه‌ها یا الگوهای آشکار و پنهان در متن شناسایی می‌شود. هدف از تحلیل محتوای مرسوم، شرح پدیده و بیان واکنش‌های احساسی افراد است [۱۶]. در این مطالعه با استفاده از این روش، براساس دیدگاه شرکت‌کنندگان مطالعه مفاهیم آشکار و پنهان مشخص شد. سپس این مفاهیم کدگذاری، خلاصه، طبقه‌بندی شد و درون‌مایه‌ها استخراج شدند. کدها براساس واحدهای معنای برگرفته از توصیف‌های شرکت‌کنندگان کشف و سپس براساس تفاوت‌ها یا شباهت‌ها به طبقات مختلف تقسیم شد. طبقه‌بندی به‌نحوی صورت گرفت که هر کد فقط در یک طبقه قرار بگیرد [۱۷].

برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. هر یک از مصاحبه‌ها با سؤال‌هایی از این دست آغاز شد: «درباره یک روز زندگی خود با پدربزرگ یا مادربزرگ خود توضیح دهید»؛ یا «دیدگاه‌ها و تجربه‌های مثبت و منفی خود را درباره پدربزرگ یا مادربزرگ بازگو کنید». مصاحبه‌ها سؤال‌های راهنمانیز داشت: «لطفاً درباره این مثال بزنید»؛ یا «چرا در آن لحظه چنین حسی داشتید». برای روشن‌تر شدن مفهوم مطالعه، سؤال‌های پیگیری‌کننده براساس اطلاعاتی که شرکت‌کننده ارائه می‌کرد، مطرح و در مصاحبه‌های بعدی نیز براساس طبقات استخراج‌شده تنظیم شد.

3. Qualitative content analysis
4. Meaning unit

1. Rani and Sharma
2. Ross

مادربزرگها و پدربزرگها نگران وضعیت تحصیلی و سلامتی نوه‌های خود هستند و آن‌ها را دوست دارند و در صورت لزوم حامی و مدافع آن‌ها خواهند بود. از سوی دیگر با رفتارهایی از قبیل تبعیض بین نوه‌ها، دخالت در کارها و شکوه و گلایه کردن باعث آزردن نوه‌ها می‌شوند. سالمندان بچه‌های خود را درخت و نوه‌ها را میوه آن می‌دانستند. نوه‌ها نیز مادربزرگ را کدبانوی واقعی و پدربزرگ را انسانی تلاشگر می‌پنداشتند که در حال دعا برای نوه‌ها و کشیدن دست محبت بر سر آن‌ها بودند. **جدول شماره ۱** درون‌مایه‌ها و زیرطبقات اصلی این مطالعه را نشان می‌دهد.

مهربانی و دلسوزی

در میان دوگانگی احساس ذکرشده، شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌هایشان مفهوم مهربانی و دلسوزی را در تجربه‌های خود از زندگی با پدربزرگ و مادربزرگ به صورت بارز بیان کردند. تجربه‌های شرکت‌کنندگان نشان داد برخورد دوستانه توأم با احترام خانواده، مهربانی و محبت سالمندان را به همراه داشته است. یکی از شرکت‌کنندگان در این مصاحبه، در زمینه دریافت دلگرمی و محبت از طرف پدربزرگ یا مادربزرگ این گونه بیان کرد: «مادر بزرگم تمام نوه‌هایش را دوست دارد و همه را به یک چشم می‌بیند. وقتی همه نوه‌ها می‌روند خانه‌اش، با وجود سروصدای زیاد اصلاً ناراحت نمی‌شود و اگر مادرم با لحن تند بگویم بس کنید، ناراحت می‌شود و می‌گوید چیزی نگو. بگذار شاد باشند».

معنویت

بیشتر شرکت‌کنندگان این پژوهش تأکید کردند که اعتقاد به خدا و ارتباط با او، به پدربزرگ و مادربزرگ آن‌ها امید می‌دهد و در پناه ایمان و اعتقاد به خدا احساس آسایش خاطر و امنیت می‌کنند. در این زمینه یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «همیشه نمازش را اول وقت می‌خواند و سحر خیز است. می‌گوید خدا رزق و روزی را صبح زود تقسیم می‌کند. مشکلات را با توکل به خدا حل می‌کند. هر وقت برای کسی مشکلی پیش می‌آید، یادم نمی‌آید که مادر بزرگ‌اش و دعای توسل نذر نکرده باشد. در ماه رمضان همه کسانی را که احساس کند در این یک سال از دستش

درا ابتدا هدف تحقیق و روش مصاحبه و حق افراد در برابر شرکت در مطالعه یا امتناع از آن برای شرکت‌کنندگان توضیح داده و سپس رضایت آگاهانه از آنان گرفته شد. پس از آن محتوای مصاحبه‌ها ضبط و کلمه به کلمه نوشته شد. داده‌های به دست آمده هم‌زمان به‌طور مکرر بازخوانی شد تا درک کلی از آنان به دست آید. در طول مطالعه برای اطمینان از روایی و پایایی داده‌ها از روش‌های تعیین اعتبار شامل درگیری طولانی مدت محقق با موضوع تحقیق و داده‌ها و کنترل شرکت‌کنندگان استفاده شد؛ یعنی بخشی از متن مصاحبه با کدهای اولیه به شرکت‌کنندگان نشان داده و میزان همسانی ایده‌های استخراج شده محقق از متن مصاحبه با نظر شرکت‌کنندگان مقایسه شد. برای تناسب نمونه‌ها شیوه نمونه‌گیری با حداکثر تنوع به کار رفت؛ یعنی شرکت‌کنندگان از نظر سن، جنس، تحصیلات و رشته تحصیلی انتخاب شدند.

ناظران خارجی آشنا به تحقیق کیفی، تأییدپذیری یافته‌ها را ارزیابی کردند. همچنین دو ناظر آشنا به تحقیق کیفی، بخش‌هایی از متن مصاحبه را به همراه کدهای مربوط به آن و طبقات پدیدار شده بررسی و تأیید کردند. برای انتقال‌پذیری یافته‌ها، نقل قول‌های شرکت‌کنندگان به همان صورت گفته شده ارائه شد. در این پژوهش اصول محرمانه‌بودن اطلاعات رعایت و برای مصاحبه و ضبط گفت‌وگو از شرکت‌کنندگان رضایت آگاهانه گرفته شد. از دیگر ملاحظات اخلاقی این مطالعه، برخورداری از حق کناره‌گیری از پژوهش در هر زمان بود که رعایت شد.

یافته‌ها

از توصیف‌های غنی و عمیق شرکت‌کنندگان ۱۴۱۰ کد اولیه استخراج شد. این کدها پس از چندبار مرور خلاصه و براساس تشابه و تناسب طبقه‌بندی شدند. معنای درونی آن‌ها به صورتی تحلیل و مقایسه شد که درون‌مایه اصلی شناسایی و براساس ماهیت به صورت مفهومی و انتزاعی نام‌گذاری شد. مضامین برگرفته از این مطالعه، دوگانگی در احساس یعنی مهربانی و دلسوزی یا رنجش و دلخوری دانشجویان را در برابر مادربزرگها و پدربزرگها نشان می‌دهد. این نوه‌ها در تجربیاتشان متوجه شده بودند که

جدول ۱. مضامین اصلی و فرعی مطالعه.

زیرطبقات	طبقات اصلی
معنویت گذشت و صبوری محبت بی‌دریغ	مهربانی و دلسوزی
تبعیض بین خانواده دخالت در کارها شکوه و گلایه کردن رک‌گویی و دل‌شکستن	رنجش و دلخوری

دوگانگی در احساس

سالمند

ناراحت شده‌اند، به افطار دعوت می‌کند».

شرکت‌کننده دیگری می‌گفت: «وقتی عمومیم تصادف کرده بود، به جای بیهوده گریه کردن، می‌گفت باید برایش دعا کنیم. خودش هم سریع رفت و نماز خواند».

گذشت و صبوری

از دیگر زیرمضمون‌های به‌دست آمده، از خودگذستگی و صبوری پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها بود. بسیاری از شرکت‌کنندگان صبوری و از خودگذشتی پدربزرگ و مادربزرگ خود را در مواقعی بیان کردند که انتظار واکنش شدیدتری را داشتند. این رفتار و برخورد از نظر بسیاری از شرکت‌کنندگان حس احترام به سالمند را برمی‌انگیخت. حرف یکی از شرکت‌کنندگان، مطالب گفته‌شده را تأیید می‌کند: «یک‌بار در روستا بین خانواده ما و خانواده‌ای دیگر بحث پیش آمده بود. آن خانواده با چوب دست پسرعمویم را شکسته بودند. اگر هر کس دیگری بود، می‌گفت شما هم بروید و دستشان را بشکنید؛ ولی پدربزرگ شیرینی خرید و رفت با آن‌ها صحبت کرد».

دانشجویی دیگر این‌گونه بیان کرد: «اگر بین زن‌عموهایم بحث به‌وجود آید، دخالت نمی‌کند تا خودشان مشکل را حل کنند. اگر مشکل حل نشد، به عموهایم می‌گوید فقط با همسرانشان صحبت کنند. اگر همچنان مشکل حل نشد، در خانه‌اش مهمانی می‌گیرد و با وساطت، مشکل را حل می‌کند».

شرکت‌کننده دیگری چنین گفت: «یکی از همسایه‌های مادربزرگم بی‌دلیل با او سر موضوع زباله‌ریختن دعوا کرد. فردای آن‌روز مادربزرگم وقتی او را دید، اصلاً به روی خودش نیاورد و به‌گونه‌ای با او سلام و احوال‌پرسی کرد که همه همسایه‌ها تعجب کردند».

محبت بی‌دریغ

باتوجه به ساختار فرهنگی حاکم در جامعه، سالمندان همچنان به‌عنوان پایه‌ها و ستون‌های زندگی نقش پررنگی را ایفا می‌کنند. اگرچه آنان تا اندازه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی کنار کشیده‌اند، اما در بسیاری از اوقات که خستگی‌ها و مشکلات تاب‌وتوان آدمی را می‌گیرد، تنها با دریافت بارقه محبتی از آنان، تمامی خستگی‌ها و ناراحتی‌ها و مشکل‌ها در نظر ما کم‌رنگ و تاب تحمل مشکلات برایمان امکان‌پذیرتر می‌شود.

دراین‌باره یکی از دانشجویان چنین بیان کرد: «تاریخ امتحان همه نوه‌هایم را می‌داند و دائم به ما زنگ می‌زند و برایمان دعا می‌کند. چگونه امتحان دادن من و بقیه برایش اهمیت دارد. تموم بچه‌هایم را با هزینه شخصی‌اش به کربلا فرستاده است. اگر یکی از بچه‌ها ناراحتش کند، به‌جای عصبانیت می‌خندد و راهنمایی‌اش می‌کند و راه درست را به او نشان می‌دهد».

در این زمینه شرکت‌کننده دیگری گفت: «وقتی به خانه آن‌ها می‌رویم، همه ما را می‌بوسد. باوجود اینکه درآمد چندانی ندارد،

هیچ‌وقت نشده که به خانه‌اش برویم و او اخم کند یا به‌گونه‌ای رفتار کند که نشان دهد ناراحت شده است. همیشه برای نوه‌هایم دعا می‌کند».

دانشجویی گفت: «پدربزرگم خیلی مریض است. مادربزرگم از او مراقبت می‌کند و شب تا صبح بیدار می‌ماند تا اگر چیزی لازم داشت، برایش بیاورد. یک‌بار مادرم سرماخوردگی ساده‌ای داشت. مادربزرگم سریع خودش را از شاهرود به گرگان رساند تا از مادرم مراقبت کند».

رنجش و دلخوری

در کنار همه تجربیات خوبی که شرکت‌کنندگان از زندگی با پدربزرگ و مادربزرگشان بیان می‌کردند، تجربه برخی رویدادها نیز حس دلخوری و رنجش از زندگی در کنار پدربزرگ و مادربزرگ را در آنان به‌وجود آورده بود. دانشجویی گفت: «معیارهای قدیمی برایم می‌آورد و دوست دارد بر همه مسلط باشد. در روستا با عموی کوچکم زندگی می‌کند، ولی در شهر نیز خانه‌ای دارد. هر وقت بچه‌ها خلاف میلش عمل کنند، قهر می‌کند و به شهر می‌رود».

دراین‌باره یکی از شرکت‌کنندگان این‌گونه بیان کرد: «یک‌بار مشکلی در خانه پیش آمده بود و ما فراموش کردیم به‌طور مستقیم به او بگوییم. بعد از چند روز که همچنان ناراحت بودیم، به خانه‌مان آمد و به‌جای دلداری گفت: من باید از مردم بشنوم؟ غریبه‌ها نزدیک‌ترند. خودش به زخم ما نمک می‌پاشد».

شرکت‌کننده دیگری چنین می‌گفت: «وقتی تصمیم به کاری می‌گیرد، به هیچ‌وجه نمی‌توان تصمیمش را عوض کرد. اگر قرار است امشب حتی دیروقت به خانه دخترش برود، هرچه می‌گوییم بمان، او جواب منفی می‌دهد و می‌گوید باید بروم».

تبعیض بین خانواده

رفتار متفاوت پدربزرگ و مادربزرگ با نوه‌ها و اعضای خانواده و وابستگی و توجه بیشتر به هریک از آن‌ها، حس رنجش و تبعیض را در ذهن شرکت‌کنندگان متبادر می‌کرد. در این زمینه یکی از شرکت‌کنندگان چنین گفت: «به‌وضوح نزد بقیه عموهایم می‌گوید خانواده ما را بیشتر دوست دارد و باعث می‌شود بقیه به ما حسادت کنند و کینه به‌وجود بیاید».

شرکت‌کننده دیگری نیز تجربه خود را این‌گونه بیان کرد: «من و دخترعمه‌ام تولدمان هم‌زمان است و مادربزرگم این موضوع را می‌داند؛ ولی تنها برای او کادو می‌خرد و به من فقط تبریک می‌گوید. نوه‌های دختریش را بیشتر دوست دارد. این موضوع را می‌توان از هدیه‌هایی که برایشان می‌خرد، فهمید».

اعمال‌نظر در کارها

سالمندان باتوجه به گذر سن و تجربه بیشتری که در امور دارند، تمایل خود را برای نظر دادن در هر کاری ابراز می‌کنند؛ حتی در مواردی که از آن‌ها کمکی درخواست نشود. گاهی این امر

بحث

در مجموع پنجاه دانشجوی در مطالعه شرکت کردند که از توصیف‌های غنی و عمیق شرکت‌کنندگان ۱۴۱۰ کداولیه استخراج شد. در نهایت مضامین به‌دست‌آمده «دوگانگی در احساس یعنی مهربانی و دلسوزی یا رنجش و دلخوری» دانشجویان را دربرابر پدربزرگ و مادربزرگ نشان دادند. این مسئله در جدول شماره ۱ بخش یافته‌ها درج شده است.

مهربانی و دلسوزی از مضامین مثبت نگاه دانشجویان در این مطالعه بوده است. در مطالعه رانی و شارما (۲۰۰۴) نگاه نوه‌ها به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها نگاه حمایتی مثبت بود. این نگرش در دختران بیشتر از پسران بود. دختران حس دلسوزی و ترحم و نگاه مثبت حمایتی بیشتری به پدربزرگ و مادربزرگ خود داشتند [۶]. رز و همکاران (۲۰۰۵) در بررسی ارتباط بین نوه‌ها و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، رفتارها و مشخصه‌های مثبت را به‌عنوان یکی از مضامینی مطرح کرده‌اند که نوه‌ها درباره پدربزرگ و مادربزرگ خود تفسیر کرده‌اند. این مضامین، مفاهیمی مانند عشق، مراقبت و دلسوزی، هدیه و پول، مهربانی، جذابیت و سرگرمی و مراقبت را دربرداشت [۷].

در گزارشی که مرکز مطالعات خانواده و ارتباطات در سال ۲۰۰۵ منتشر کرده است، نگاه نوجوانان به پدربزرگ و مادربزرگ خود با مضامینی همچون بامزه‌بودن، مراقب، فعال و به‌روز تفسیر شده است [۱۸].

ادیب حاج‌باقری (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای، تجربه دانش‌آموزان ابتدایی از خانه سالمندان را بررسی کرد. نتایج مطالعه او نشان داد مجموعه تجربه‌های دانش‌آموزان نوعی نگاه به آینده را برای آنان ایجاد کرده بود که بر ضرورت قدرشناسی و نگهداری محترمانه از سالمندان مبتنی بود؛ زیرا آن‌ها با مشاهده سالمندان دوران سالمندی خود را تصور می‌کردند. دانش‌آموزان این تحقیق درک مثبتی از سرای سالمندان نداشتند. دورافتاده‌بودن سرای سالمندان از محدوده اجتماعی شهر می‌تواند در نگاه آن‌ها تأثیر بگذارد [۱۹]. از دیدگاه دانش‌آموزان، سالمندان انسان‌های مهربانی هستند که بنابر مقتضیات جامعه کنونی، از آنان غفلت شده است. آنان به سالمندان حس مهربانی دارند؛ اما دیدن وضعیت ناراحت‌کننده سالمندان در جامعه و خانه سالمندان نگاه آندوهناک و ترحم‌برانگیز آنان را پُررنگ‌تر می‌کند. شاید چنین افرادی در بزرگسالی نیز همانند دانشجویان مطالعه حاضر، در تجربه همزیستی با سالمند نه‌تنها جنبه‌های ناراحت‌کننده، بلکه جنبه‌های مثبت زندگی با سالمندان را نیز مدنظر داشته باشد.

در مطالعه کارشکی و گراوند (۲۰۱۱) نگرش دانشجویان بالینی به سالمندان، مثبت گزارش شده است. در مطالعه همدانی‌زاده و همکاران (۲۰۰۷) نگرش پرستاران به ارائه مراقبت‌های جسمی به سالمند کاملاً خنثی بود [۹]. حس تعلق و وابستگی به پدربزرگ و مادربزرگ در تمامی جوامع حس مشترکی است. این حس توأم

می‌تواند زمینه‌های رنجش اطرافیان و سالمند را فراهم آورد. در این زمینه یکی از شرکت‌کنندگان می‌گفت: «به بعضی از نوه‌هایش گیر می‌دهد که مثلاً روسری کوتاه سر نکن؛ البته با همه این‌طور نیست. اگر خواستگار برای کسی بیاید، ولی مادر بزرگم خوشش نیاید، بدون آنکه بداند خود فرد دوست دارد یا نه، مخالفت می‌کند».

شرکت‌کننده دیگر گفت: «یک‌بار با یکی از دایی‌هایم که می‌خواست خانه‌ای خارج از محله او بخرد، آنقدر مخالفت کرد که دایی‌ام از خرید خانه منصرف شد. نوه‌هایم همه بزرگ هستند و خوب یا بدبودن حجاب را خودشان می‌دانند؛ اما او همیشه مادرهایمان را مجبور می‌کند که برایمان چادر بخرند؛ حتی اگر ما دوست نداشته باشیم».

شکوه و گلایه کردن

شرکت‌کنندگان این مطالعه بیان کردند با افزایش سن، توانایی انطباق پدربزرگ و مادربزرگ با شرایط کاهش می‌یابد؛ بنابراین مشکلاتی مانند کاهش تحمل و افزایش تحریک‌پذیری به‌وجود می‌آید. درباره این موضوع یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «به‌دلیل بیماری خیلی زود رنج شده است؛ مثلاً هر وقت به شهرستان و خانه آن‌ها می‌رویم، دوست دارد تمام وقت خانه باشیم. اگر بیرون برویم و در شهر بگردیم، ناراحت می‌شود که چرا من را تنها گذاشتید».

تجربه دانشجوی دیگری به این شرح بود: «وقتی در خانه عمویم است تا بچه‌ها حرف می‌زنند، می‌گوید وای سرما ولی وقتی به خانهاش می‌رود، مدام می‌گوید اینجا دارم خفه می‌شوم و دلم می‌گیرد. اینجا اصلاً صدای بچه نیست»

رک‌گویی و دل‌شکستن

بیان صریح و بدون در نظر گرفتن موقعیت افراد در بسیاری مواقع زمینه‌های رنجش خانواده و افراد را فراهم می‌آورد. اگرچه در بسیاری مواقع فرد سالمند تنها قصد دارد نظرش را بیان کند؛ اما صراحت بیان کلام و احساس همیشه احساس خوبی را به اطرافیان نمی‌دهد. در این زمینه یکی از شرکت‌کنندگان می‌گفت: «عید نوروز در روستا هر شب عروسی است. به زن عمویم که عروسی می‌رفت، گیر می‌داد و می‌گفت چرا عروسی می‌روی؟ زمان ما عروس حق عروسی‌رفتن نداشت. دخترت از طرف تو برود، کافی است. با پدر بزرگم خوب رفتار نمی‌کند و زیاد غر می‌زند. اصلاً به حضور ما توجه نمی‌کند و به پدر بزرگم حرف‌هایی می‌زند که او را ناراحت می‌کند. مادرم یک بار برایش کادو خرید، به جای تشکر، گفت رنگش را دوست ندارد».

در همین زمینه شرکت‌کننده دیگری گفت: «چندسال پیش که دبیرستان بودم، مادر بزرگم به خانه‌مان آمده بود. داشتیم با تلفن صحبت می‌کردم. برای من ده‌بیست دقیقه عادی بود. مادر بزرگم گفت: چرا اینقدر با تلفن صحبت می‌کنی؟ من خوشم نیامد؛ چون پدر و مادرم مشکلی نداشتند».

دانشجویان یا به عبارت دیگر نسل سوم در ارتباط با سالمندان نگاه واقع بینانه‌ای به پدر بزرگ و مادر بزرگ خود داشته‌اند. آنان مهربانی و صبوری و عذوفت پدر بزرگ و مادر بزرگ خود را یادآوری کرده‌اند؛ اما در کنار آن مشکلات تعامل با سالمندان را نیز مدنظر قرار داده‌اند. جامعه ما جامعه‌ای در حال گذار به سمت سالمندی است. شناخت پایه از وضعیت روانی اجتماعی سالمندان در جامعه نگاه روشن تری را برای برنامه‌ریزی‌های آتی و سیاست‌گذاری‌های کلان فراهم خواهد کرد. با آگاهی به بخش‌های غفلت شده در زندگی سالمندان و بهره‌گیری از مطالعات کاربردی‌تر، می‌توان برخی از مشکلات این قشر را برطرف کرد.

محدودیت‌ها

متأسفانه هیچ‌یک از مطالعات داخلی تجربه زندگی با سالمند یا پدر بزرگ و مادر بزرگ را بررسی نکرده بود. همچنین مطالعات به‌کاررفته در بخش بحث و نتیجه‌گیری، مطالعات کمی است یا مطالعاتی هستند که بار مراقبتی نگهداری از سالمند را بررسی کرده‌اند و نکته‌های مثبت زندگی در کنار سالمند بیان نشده است. از این رو محقق مجبور بود از مطالعات موجود در بخش بحث و جمع‌بندی مطالعه حاضر استفاده کند.

پیشنهادها

باتوجه به تفاوت فرهنگ‌ها و نگرش‌های موجود در این منطقه که قومیت‌هایی چون ترکمن و سیستانی را در برمی‌گیرد، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی در این بسترهای فرهنگی انجام شود.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان است. در پایان محققان بر خود واجب می‌دانند تا از تمامی دانشجویان شرکت‌کننده در این مطالعه تشکر و قدردانی کنند.

با خاطرات خوب و تصاویر شیرینی است که ساختار عاطفی ما را در کودکی و نوجوانی شکل داده و تفسیر آن در تمام قومیت‌ها و زبان‌ها و ملیت‌ها یکی است. همان‌طور که در مطالعات فارسی و انگلیسی به اختصار بیان شد، تفسیر مشترکی در نگاه نوه‌ها به پدر بزرگ و مادر بزرگشان وجود داشته است.

از دیگر مضمون‌هایی که از این مطالعه استخراج شد، مضمون رنجش و دلخوری بود. این مضمون شامل مفاهیمی مانند تبعیض بین خانواده، دخالت در کارها، شکوه و گلابه‌کردن و رک‌گویی و دل‌شکستن بود. از مضامینی که در مطالعه رز و همکارانش (۲۰۰۵) در بررسی ارتباط بین نوه‌ها و پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها به‌دست آمده، مضمون رفتارها و مشخصه‌ها منفی بوده است. این مضمون شامل مفاهیمی مانند سرسختی و لجاجت، رنجش، خجالت و شرم، شکایت‌کردن و دخالت‌کردن بوده است. در مطالعه رز و همکاران (۲۰۰۵) برخی جوانان نگاه کلیشه‌ای منفی به سالمندی و پدر بزرگ و مادر بزرگ خود داشته‌اند [۷].

در مطالعه همدانی‌زاده و همکاران (۲۰۰۷) یافته‌های مطالعه نشان داد بین زندگی با والدین سالمند با نوع نگرش فرزندان پرستار آن‌ها، ارتباط ضعیفی وجود دارد. همچنین واحدهای پژوهش که دور از والدین خویش زندگی می‌کردند، نگرش مثبت‌تری به سالمندان داشتند؛ زیرا این افراد مطالبات و خواسته‌های مالی و جسمی و عاطفی فراوانی داشتند و نیاز سالمند خود را نیز می‌شناختند. در عین حال این واقعیت را نیز می‌دانستند که در رفع این نیازها ناتوان‌اند و مسئولیت مراقبت از اعضای سالمند خانواده برای آنان تنش‌زاست [۹].

در مطالعه حسینی‌سرشت و همکاران (۲۰۰۷) پرستاران شاغل نگرش مثبت و دانشجویان سال سوم پرستاری نگرش خنثی و دانشجویان سال اول نگرش منفی به سالمندی داشته‌اند. در این مطالعه عامل سن و تجربه زندگی با فرد سالمند بر نوع نگرش به سالمند تأثیر مثبتی داشته است [۲۰]. در مطالعه ثناگو و همکاران (۲۰۰۹) نگاه جوانان با تحصیلات بیشتر به سالمند منفی‌تر بوده است [۸].

در کنار مضامین مثبت نوه‌ها به تجربه زندگی‌شان در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ، واقعیت‌های دیگری نیز وجود دارد که از نگاه تیز و گاه موشکافانه نوه‌ها دور نمانده است. اگرچه سعی شد کمتر اشاره مستقیمی به این مضامین شود، اما در بطن زندگی همه خانواده‌ها وجود دارد و جزوی از حیات آن خانواده محسوب می‌شود. رفتارهایی که گاه در تعامل نسل‌ها بروز می‌کند؛ برخی تعدیل‌شدنی و برخی جزو ویژگی‌های شخصیتی سالمند است. گاه این رفتارها با گذر عمر و تغییرات روحی که در سالمند به‌وجود می‌آید، نمود بیشتری خواهد داشت که با نگرش‌های منفی یا مضامینی چون رنجش و کدورت تفسیر می‌شود.

نتیجه‌گیری نهایی

بر مبنای یافته‌های این مطالعه می‌توان چنین برداشت کرد که

References

- [1] Gholizadeh A, Shirani E. [The relation between personal, family, social and economic factors with the rate of life satisfaction of aged people of Isfahan (Persian)]. *Applied Sociology*. 2010; 21(37):69-82.
- [2] Mortazavi S, Eftekhari Ardebili H, Mohamad K, Dorali Beni R. [Assessing the mental health status of elderly in Shahrekord and relationship with sociodemographic factors (Persian)]. *Payesh*. 2011; 4:485-92.
- [3] Delavar B. [Report of senile health status in Islamic Republic of Iran (Persian)]. Tehran: Ketab-e Ashena; 2007.
- [4] Sheikhi M. [Sociological study of health and quality of life of Grandparents in Tehran (Persian)]. *Journal of Welfare & Social Development*. 2012; 12(2):3-29.
- [5] Murphey M, Myers J. Attitudes of children toward older persons: What they are, what they can be. *School Counselor*. 1982; 29(4):281-89.
- [6] Rani R, Sharma S. Attitude of teenagers towards their grandparents. *Journal of Human Ecology*. 2004; 15(3):183-85.
- [7] Ross N, Hill M, Sweeting H, Cunningham-Burley S. Grandparents and teen grandchildren: Exploring Intergenerational Relationships (Research data). Glasgow: University of Glasgow; 2005. doi: 10.5255/UKDA-SN-5231-1
- [8] Sanagoo A, Bazyar A, Chehrehgosha M, Gharanjic S, Noroozi M, Pakravan S. [People attitude toward elderly in Golestan province, 2009 (Persian)]. *Journal of Research Development in Nursing & Midwifery*. 2009; 8(2):24-9.
- [9] Hamedanizade F, Motahedian A, Sarhangi F, Zeighamati F. [Evaluation of nurses attitude about senile physical care (Persian)]. *Kowsar Medical Journal*. 2007; 13(3):258-53.
- [10] Haghshenas S. [Family pathology (Persian)]. Tehran: Center for Women and Family Affairs; 2009.
- [11] Heravi-Karimavi M, Jadid-Milani M. [Family knowledge about types of abuse in old women in Tehran (Persian)]. *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 2004; 6(23-24):105-10.
- [12] Salarvand S, Abedi H. [The elders' experiences of social support in nursing home: a qualitative study (Persian)]. *Iran Journal of Nursing*. 2008; 20(52):39-50.
- [13] Salarvand S, Abedi H, Shamlu K. [The feeling of powerlessness in older people living in nursing homes (Persian)]. *Iran Journal of Nursing*. 2007; 20(50):60-69.
- [14] Mayan M. An introduction to qualitative methods: a training module for students and professionals. Alberta: International Institute for Qualitative Methodology Publication; 2001
- [15] Dempsey PA, Dempsey A. Research in nursing: process, critical evaluation and application [M. Salsali, Persian trans]. Tehran: Boshra Publication; 2002.
- [16] Hsieh H, Shannon S. Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*. 2005; 15(9):1277-288. doi: 10.1177/1049732305276687
- [17] Mayring P. Qualitative content analysis. *Forum Qualitative Social Research*. 2000; 1(2):365-80. doi: 10.1007/978-94-017-9181-6_13
- [18] Centre for Research on Families and Relationships. Relationships between grandparents and teenage grandchildren. 2005; Edinburgh: Centre for Research on Families and Relationships Publication.
- [19] Adib-Hajbaghery M, Aminolroayae Yamini A. [The experiences of Kashan's elementary students of the elderly hospice (Persian)]. *Journal of Behavior Sciences Research*. 2009; 9(2):123-32.
- [20] Hosseini Seresht A, Nasiri Ziba F, Kermani A, Hosseini F. [Assessment of nursing students and clinical nurses' attitude toward elderly care (Persian)]. *Iran Journal of Nursing*. 2007; 19(45):57-67.